

## واکاوی رابطه مندی فرازهای آیه سوم سوره مائده

سید محمدرضا حسینی نیا \*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۰۵

تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۰۹/۱۵

### چکیده

مسأله تناسب و ارتباط میان فرازهای آیه سوم سوره مائده از جمله مسائل اختلافی در بین مفسران است. برخی مفسران فراز ﴿الْيَوْمَ يَمِيسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أْتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ را جمله معترضه دانسته و قائل به عدم تناسب شده‌اند، برخی نیز فراز مذکور را با فراز ﴿حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَ الدَّمُ وَ لَحْمُ الْخَنزِيرِ وَ مَا أَهْلَ لَغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَ الْمُنْخَنَقَةُ وَ الْمَوْفُودَةُ وَ الْمُرْتَدِيَّةُ وَ النَّطِيحَةُ وَ مَا أَكَلَ السَّبْعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَ مَا ذُبِحَ عَلَى النُّصَبِ وَ أَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ﴾ مرتبط دانسته و در عین حال وجه تناسب قابل توجهی را بیان نکرده‌اند. بر این اساس پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، ضمن تبیین مسأله دانش تناسب و ارتباط جمله‌ها، آیه‌ها و سوره‌های قرآن کریم، دیدگاه‌های مفسران درباره رابطه مندی و یا عدم ارتباط میان فرازهای آیه مذکور را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه دست یافته است که با توجه به عدم تحریف قرآن کریم و چینش توقیفی آیات و سوره‌های آن؛ بین فرازهای آیه مورد بحث، وجوه تناسب و رابطه مندی قابل توجهی وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: سوره مائده، آیه سوم، تناسب، ارتباط جمله‌ای، چینش توقیفی.

## مقدمه

دانش تناسب و ارتباط میان کلمه‌ها، جمله‌ها، آیه‌ها و سوره‌های قرآنی، از جمله مباحث مهم علوم قرآنی به شمار می‌آید. دانشمندان علوم قرآنی و مفسران دربارهٔ مسأله مذکور، آراء و نظرات مختلفی را بیان کرده‌اند، برخی مانند علامه طباطبائی تناسب و ارتباط را تنها درباره سوره‌ها و آیاتی دانسته‌اند که یک‌باره نازل شده‌اند و قول به تناسب در غیر موارد یادشده را تکلف شمرده‌اند (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۳۶۰/۴) و در مقابل این نظریه، برخی صاحب‌نظران قرار گرفتن آیه‌ها و فرازهای نازل‌شده در زمان‌های مختلف در کنار یکدیگر را نتیجه تناسب و تجانس آنها دانسته‌اند (حجتی، ۱۳۷۷: ۱۶۴).

از جمله آیاتی که تناسب، پیوند و ارتباط میان فرازهای آن مشکل به نظر می‌رسد، آیه سوم سوره مائده می‌باشد ﴿حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخَنزِيرِ وَ مَا أَهْلَ لَغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَ الْمُنْخَنَقَةُ وَ الْمَوْقُودَةُ وَ الْمُتْرَدِيَةُ وَ النَّطِيحَةُ وَ مَا أَكَلَ السَّبْعُ إِلَّا مَا ذُكِّيتُمْ وَ مَا ذُبِحَ عَلَى النَّصْبِ وَ أَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكُمْ فَسْقٌ \* الْيَوْمَ يَسُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَ اخْشَوْنِ \* الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنْ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرِ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمِهِ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (مائده/۳).

از آنجا که صدر و ذیل آیه مذکور دربارهٔ حرمت گوشت‌های حرام و عدم حرمت آنها در موارد اضطراری است و فرازهای میانی آن در مورد ناامیدی کافران از دین مسلمانان، اکمال دین، اتمام نعمت‌های خداوند متعال و رضایت خداوند متعال به مرضی بودن دین اسلام برای امت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

می‌باشد؛ برخی مفسران به عدم پیوند و ارتباط میان فرازهای آیه تصریح کرده‌اند (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۱۶۷/۵؛ سبحانی، ۱۴۲۰: ۵۰؛ طیب، ۱۳۶۹: ۱۵/۱؛ سبزواری، ۱۴۰۹: ۳۰۳/۱۰) و برخی نیز جایگاه فراز ﴿الْيَوْمَ يَسُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَ اخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ را در ذیل آیه ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾ (مائده/۶۷) دانسته و جایجایی آن را بر اساس اغراض فاسد تلقی کرده‌اند (سبزواری، ۱۴۰۶: ۴۲۱/۲)، برخی نیز معتقدند آیه مورد بحث، از جهت ترتیب نزول و مصحف به صورت فعلی بوده و افزون بر ارتباط درون آیه‌ای، آن را با آیه اول سوره مائده ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾ مرتبط دانسته‌اند (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶: ۷۲/۸). با توجه به آنچه گفته شد، نگارنده به دنبال پاسخگویی به این پرسش است که چه وجه یا وجوهی در تناسب فرازهای آیه سوم سوره مائده متصور است؟

تناسب و مناسبت در لغت به معنای مشاکلت (جوهری، ۱۳۷۶: ۲۲۴/۱)، اتصال بین دو چیز (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۴۲۳/۵) و در اصطلاح علوم قرآنی به پیوند میان بخش‌های یک آیه، پیوند میان دو یا چند آیه و همچنین پیوند میان سوره‌ها اطلاق می‌شود (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۲: ۶۵۲). تناسب و ارتباط میان فرازهای یک آیه، دارای اقسامی مانند تنظیم، تضاد و استطراد است (معرفت، ۱۳۷۳: ۱۵). به نظر می‌رسد آنچه در تناسب میان فرازهای آیه سوم سوره مائده متصور است؛ از نوع استطراد است.

در مورد تناسب و رابطه‌مندی فرازهای آیه سوم سوره مائده هیچ‌گونه کار پژوهشی قابل توجهی صورت نگرفته است.

#### تفسیر اجمالی آیه

آیه مورد بحث به‌طورکلی دارای سه فراز عمده و اساسی است. فراز اول درباره خوردنی‌های حرام، فراز دوم درباره مباحثی نظیر یأس کافران، اکمال دین، اتمام نعمت و خشنودی خداوند به برگزیدگی دین اسلام به‌عنوان دین برتر و فراز سوم نیز درباره حکم موارد اضطرار خوردنی‌های حرام می‌باشد که در این بخش به تفسیر اجمالی فرازهای مذکور پرداخته می‌شود.

فراز اول: ﴿حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخَنزِيرِ وَ مَا أَهْلَ لَغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَ الْمُنْخَنِقَةُ وَ الْمُوقُذَةُ وَ الْمْتَرِدَّةُ وَ النَّطِيحَةُ وَ مَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَ مَا ذُبِحَ عَلَى النُّصَبِ وَ أَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكُمْ فَسِقٌ﴾

خداوند متعال در فراز مذکور به یازده مورد از خوردنی‌های حرام اشاره کرده است که در این بخش به تعریف لغوی، اصطلاحی برخی واژگان و نکات مهم تفسیری اشاره می‌گردد.

۱. «الْمَيْتَةُ» به حیوانی گفته می‌شود که بدون ذبح شرعی روح از بدنش جدا شده باشد (راغب، ۱۴۱۲: ۷۸۲). برخی مفسران، هرگونه انتفاع از میته را حرام دانسته‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۴۲/۳)، اما از آنجا که انتفاع غالب از میته، خوردن آن است برخی مفسران، حرمت خوردن آن را مورد تأکید قرار داده‌اند (مقاتل، ۱۴۲۳: ۴۵۱/۱).

۲. «الدَّمُ» به معنای خون است (قرشی، ۱۳۷۱:

استطراد از محسنات معنوی کلام و عبارت است از اینکه گوینده کلام به مناسبتی از مطلبی به مطلب دیگر منتقل شود و سپس به سخن اول بازگردد و آن را تا پایان ادامه دهد (فقهی‌زاده، ۱۳۷۴: ۹۲).

جریان استطراد در آیه مورد بحث، نظیر آیه ﴿يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوَاتِكُمْ وَ رِيشًا وَ لِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ﴾ (اعراف/۲۶) است، بدین بیان که در آیات پیش از آیه مذکور، سخن از تناول شجره ممنوعه توسط حضرت آدم و حوا علیهما‌السلام به میان آمده و در آیه مذکور بر سبب استطراد از لباس تقوا سخن رفته است و در آیات بعدی نیز به ماجرای حضرت آدم و حوا علیهما‌السلام پرداخته شده است.

نگارنده معتقد است با توجه به ابتناء علم تناسب

بر دو مبنای عدم تحریف قرآن کریم و چینش توفیقی آیات و سوره‌ها و با استناد به آیات، روایات و نظرات برخی مفسران؛ میان فرازهای آیه مورد بحث، پیوستگی و پیوند عمیقی برقرار است که در تحقیق حاضر به تبیین آنها پرداخته می‌شود.

#### پیشینه بحث

با اینکه بحث ارتباط و تناسب میان آیات قرآن کریم، مهم و قابل توجه است ولی در این زمینه، تحقیقات اندکی صورت گرفته است، از جمله: «درآمدی بر علم تناسب آیات با تأکید بر سوره جمعه» اثر عباس همایی در مجله مطالعات اسلامی، «تناسب آیه امامت حضرت ابراهیم علیه السلام در سوره بقره با فضای نزول» نوشته فرزانه بیات و دیگران در مجله پژوهش‌های قرآنی و «بررسی تناسب معنایی آیات ۱۶-۱۹ قیامت» اثر سیف‌علی زاهدی‌فر در مجله مطالعات تفسیری؛ اما

اطلاق می‌شود که از بلندی مانند کوه، دیوار و چاه پرت شده و به دلیل سقوط از ارتفاع و بدون ذبح شرعی مرده باشد (طریحی، ۱۳۷۱ش: ۱/۱۸۱).

۸. «التَّطِيحَةُ» نطیحه به حیوانی گفته می‌شود که به وسیله شاخ حیوان هم نوع خودش کشته شود (مصطفوی، ۱۴۳۰ق: ۱۲/۱۵۷).

۹. «مَا أَكَلَ السَّبْعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ» مراد از «أَكَلَ السَّبْعُ» حیوانی است که توسط حیوانات درنده مانند شیر، گرگ، پلنگ و امثال آنها دریده شده باشد که در صورت جدا شدن روح از بدن آن حیوان، خوردنش حرام است و در غیر این صورت، ابتدا ذبح شرعی و سپس مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۱۰. «مَا ذُبِحَ عَلَى النُّصَبِ» واژه نُصَب جمع نصب به معنای سنگ است. مردمان عصر جاهلیت سنگ‌های بی‌نقش‌ونگار را مورد پرستش قرار می‌دادند، در برخی تفاسیر آمده است که پیرامون کعبه سیدوشصت سنگ وجود داشته که مشرکان بر روی سنگ‌ها، حیوانات را ذبح و گوشتشان را بر روی آنها پهن می‌کردند و آنگاه می‌خورده‌اند (طبرانی، ۲۰۰۸: ۲/۳۴۹).

۱۱. «أَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ» آخرین مورد از گوشت‌های حرام، گوشت حیوان حلال‌گوشتی است که با قمار به دست آمده است، بنا به گفته برخی مفسران طریقه این بخت‌آزمایی چنین بوده است که ده نفر با هم شرط‌بندی می‌کردند و حیوانی را خریداری و ذبح نموده سپس ده چوبه تیر که روی هفت عدد از آنها عنوان «برنده» و سه عدد عنوان «بازنده» ثبت شده بود در کیسه مخصوصی می‌ریختند و به صورت قرعه‌کشی آنها را به نام یک‌یک از آن ده نفر بیرون می‌آوردند، هفت چوبه برنده به نام هر کس می‌افتاد سهمی از گوشت برمی‌داشت

۲/۳۵۹) و مراد از حرمت دم، خوردن آن است، شایان ذکر است که خوردن خون مسفوح حرام است و خوردن خونی که در اعضای حیوان مذکی باقی می‌ماند حرام نیست (طبری، ۱۴۱۲: ۵۲/۸).

۳. «لَحْمُ الْخَنزِيرِ» خنزیر به معنای خوک است (قرشی، ۱۳۷۱: ۲/۳۰۸). خوردن گوشت خوک، از دیگر محرمانی است که در آیه مذکور به آن تصریح شده است. براساس گفته برخی مفسران اگرچه هر نوع استفاده از خوک حرام است، اما با توجه به اینکه گوشت خوک مهم‌ترین منفعت آن به شمار می‌آید، در آیه شریفه به آن تصریح شده است (جصاص، ۱۴۰۵: ۳/۲۹۷).

۴. «مَا أَهْلٌ لِّغَيْرِ اللَّهِ بِهِ» یکی از سنت‌های عصر جاهلیت آن بوده است که حیوانات را به نام غیر خداوند و بت‌ها ذبح می‌کرده‌اند (مکارم، ۱۳۷۱: ۴/۲۵۸). خوردن گوشت حیواناتی که به صورت مذکور، ذبح شده باشند نیز حرام است.

۵. «الْمُنْخَنَقَةُ» واژه مذکور از ماده خَنَقَ به معنای فشردن گلو و تنگ کردن آن است (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۵۴/۳). برخی مفسران گفته‌اند که در عصر جاهلیت، گوسفند را با طناب صید و یا با قرار دادن سر گوسفند در میان دو شاخه درخت خفه کرده و سپس آن را می‌خورده‌اند (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۱/۲۸۳)؛ خوردن گوشت چنین حیوانی نیز حرام است.

۶. «الْمَوْقُودَةُ» موقوده به گوسفندی گفته می‌شود که بر اثر ضربات وارده بر بدنش مرده باشد (ازهری، ۱۴۲۱ق: ۹/۲۰۳). کشتن گوسفند با زدن به وسیله چوب، سنگ و خوردن آن نیز از سنت‌های جاهلیت بوده است که آیه مذکور آن را حرام کرده است.

۷. «الْمُتْرَدِيَّةُ» متردیه از نظر لغت بر حیوانی

مسلمانان؛ مراد از الیوم در آیه موردنظر، روز عید غدیر باشد که در هجدهم ذی‌الحجه سال دهم هجرت در حجة‌الوداع پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم رخ داده است. درباره اكمال دین و اتمام نعمت نیز نظرات متعدد و مختلفی بیان شده است که مقاله حاضر گنجایش آنها را ندارد، اما نظریه مختار آن است که حادثه مهم و منحصربه‌فردی می‌تواند دین را کامل و نعمت خداوند متعال بر امت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را اتمام نماید و آن نیست مگر تعیین جانشینی حضرت علی علیه السلام در روز عید غدیر که ضامن بقاء دین و اجرای احکام الهی است.

فراز سوم: ﴿فَمَنْ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرٍ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾

فراز مذکور نیز بیانگر جواز خوردن مأكولات محرمة در شرایط اضطراری و غفران و رحمت الهی نسبت به مرتکبین آن است و شرط اساسی آن نیز عدم تمایل به سوی گناه در استفاده از مأكولات محرمة است. دیدگاه‌ها: بیشتر مفسران متعرض تناسب و یا عدم تناسب فرازهای آیه مورد بحث نشده‌اند، اما برخی مفسران، بر معترضه بودن فراز مذکور تأکید کرده‌اند (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۲۸/۵؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۱۶۸/۵) و این به معنای عدم تناسب فرازهای آیه مورد بحث است و برخی نیز به تناسب و ارتباط میان فرازهای آیه مورد بحث تصریح کرده‌اند (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶: ۷۳/۸؛ سلطان‌علی‌شاه، ۱۴۰۸: ۷۴/۲).

وجوه رابطه‌مندی فرازهای آیه سوم سوره مائده

۱. رابطه‌مندی فرازها در بیان فرائض: یکی از وجوه

و چیزی در برابر آن نمی‌پرداخت، ولی آن سه نفر که تیرهای بازنده را دریافت داشته بودند، باید هرکدام یک‌سوم قیمت حیوان را بپردازند، بدون اینکه سهمی از گوشت داشته باشند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۶۰/۴).

خداوند متعال پس از بیان خوردنی‌های حرام فرموده است: ﴿ذَلِكُمْ فَسْقٌ﴾ و با توجه به معنای لغوی فسق که به معنای خروج هسته از خرما آمده است (جوهری، ۱۳۷۶ق: ۱۵۴۳/۴؛ ازهری، ۱۴۲۱: ۳۱۵/۸)، خوردن هر از یک خوردنی‌های مذکور به منزله خروج از اطاعت خداوند متعال است (طوسی، بی‌تا: ۴۳۴/۳).

فراز دوم: ﴿الْيَوْمَ يَنْسَأَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ \* الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَاَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾

در اینکه مراد از واژه الیوم در فراز مذکور چه روزی است؟ در بین مفسران اختلاف است، برخی گفته‌اند روز خاصی اراده نشده است (طوسی، بی‌تا: ۴۳۴/۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۴۵/۳؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۱۱۵/۲)؛ برخی منظور از آن را عصر روز عرفه که مصادف با روز جمعه بوده دانسته‌اند (طبری، ۱۴۱۲: ۱۵۱/۶؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۱۲/۲؛ ابن‌جزی، ۱۴۱۶: ۲۲۱/۱) و برخی نیز آن را روز عید غدیر دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۱۶۸/۵؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶: ۷۱/۸؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۵۸۷/۲۱؛ استرآبادی، ۱۴۰۹: ۱۵۱/۱؛ کاشانی، ۱۴۱۰: ۳۷۶/۱).

به نظر می‌رسد با توجه به مباحث مهمی مانند یأس و نویدی کافران، اكمال دین، اتمام نعمت و رضایت خداوند متعال به مرضی بودن دین اسلام برای

رابطه‌مندی فرازهای آیه سوم سوره مائده؛ بیان فرائض است. واژه «فرائض» جمع «فریضه»، مشتق از «فرض» به معنای واجب کردن و حدودی است که خداوند به آن امر و یا از آن نهی کرده است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۲۹/۷؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۲۰۲/۷). با توجه به توسعه معنایی واژه «فرائض» به واجبات و محرمات و با استناد به حدیث امام باقر علیه‌السلام در ذیل آیه مورد بحث که فرموده‌اند: «كَانَتْ الْفَرِيضَةُ تَنْزِلُ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ الْأُخْرَى وَكَانَتْ الْوَلَايَةُ آخِرَ الْفَرَايِضِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَا أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ بَعْدَ هَذِهِ فَرِيضَةً قَدْ أَكْمَلْتُ لَكُمْ الْفَرَايِضَ» (کلینی، ۱۳۶۲: ۲۸۹/۱)، رابطه‌مندی فرازها بدین بیان است که عبارت «وَكَانَتْ الْفَرِيضَةُ تَنْزِلُ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ الْأُخْرَى» بیانگر فریضه بودن ولایت است که پس از فریضه حرمت مأكولات محرمه واقع شده است.

امام باقر علیه‌السلام در روایت مذکور، ابتدا از پیوستگی نزول فرائض خداوند متعال، یکی پس از دیگری سخن گفته و در ادامه ولایت را آخرین فریضه نازل‌شده بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌داند و آنگاه به اكمال دین و اتمام نعمت به‌عنوان آخرین فریضه اشاره کرده است.

با توجه به آنچه گفته شد، به نظر می‌رسد، قرار گرفتن ولایت در ردیف دیگر فرائض از سویی و ترتب فریضه ولایت بر فریضه اجتناب از خوردنی‌های حرام از سوی دیگر، بیانگر نقش اساسی و محوری عنصر ولایت و ولی به‌عنوان ضامن اجرای فریضه مذکور- اجتناب از خوردنی‌های حرام- و دیگر فرائض است و نبود این عنصر اساسی موجب تعطیلی همه فرائض

خواهد شد.

افزون بر آنچه گفته شد، این نکته شایان ذکر است که در لسان روایات فریضه ولایت نسبت به دیگر فرائض از اهمیت بیشتر و بالاتری برخوردار است، به‌طور مثال می‌توان به روایت صحیح‌های از امام باقر علیه‌السلام اشاره کرد که فرمودند: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ وَ لَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ فَأَخَذَ النَّاسُ بِأَرْبَعٍ وَ تَرَكَوا هَذِهِ يَعْنِي الْوَلَايَةَ» (کلینی، ۱۳۶۲: ۱۸/۲)، اسلام روی پنج پایه نهاده شده: نماز و زکات و روزه و حج و ولایت و به چیزی مانند ولایت فریاد زده نشد، مردم آن چهار را گرفتند و این - یعنی ولایت - را رها کردند.

۲. پیوند دو بعد جسمانیت و روحانیت انسان:

فلاسفه؛ انسان را موجودی مرکب از جسم و نفس (ابن‌رشد، ۱۹۹۳: ۱۱۱؛ غزالی، ۱۳۸۲: ۱۳۰؛ صدر المتألهین، ۱۹۸۱: ۴۱/۲) و مفسران او را مرکب از جسم و روح دانسته‌اند (رضا، ۱۴۱۴: ۲۰/۷؛ طیب، ۱۳۶۹: ۲۳۷/۱۲). هر یک از جسم و روح انسان برای بقاء و ادامه حیات جهت وصول به سرمنزل مقصود، نیازمند غذای متناسب و مخصوص خود هستند، بدیهی است غذای جسم مواد جسمانی است (ملکی میانجی، ۱۴۱۴: ۴۴/۲) و غذای روح معارف الهی هستند که در مجموعه‌ای با عنوان دین از سوی خداوند متعال به‌وسیله پیامبران نازل شده است، بر این اساس، برخی مفسران بر این مطلب تأکید کرده‌اند که تشریح دین برای مجموع جسم و روح انسان است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۳۳/۳). برخی مفسران معاصر نیز ضمن آنکه نسبت معارف دینی و معنوی را به روح، مانند نسبت غذاهای جسمانی به بدن و جسم دانسته‌اند؛ بر این مطلب تأکید

در تفسیر فراز اول آیه مورد بحث فرموده‌اند: «فَإِنَّ الْمَجُوسَ كَانُوا لَا يَأْكُلُونَ الذَّبَائِحَ وَ يَأْكُلُونَ الْمَيْتَةَ، وَ كَانُوا يَخْنُقُونَ الْبَقَرَ وَ الْغَنَمَ، فَإِذَا اخْتَنَقَتْ وَ مَاتَتْ أَكَلُوهَا. وَ الْمُتَرَدِّبَةُ كَانُوا يَشُدُّونَ عَيْنَهَا وَ يَلْقَوْنَهَا مِنَ السَّطْحِ، فَإِذَا مَاتَتْ أَكَلُوهَا. وَ النَّطِيجَةُ كَانُوا يَنْطِخُونَ بِالْكَبَاشِ، فَإِذَا مَاتَ أَحَدُهَا أَكَلُوهُ. وَ مَا أَكَلَ السَّبْعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ فَكَانُوا يَأْكُلُونَ مَا يَقْتُلُهُ الذَّبُّ وَ الْأَسَدُ، فَحَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ ذَلِكَ» (بحرانی، ۱۴۱۵: ۲۲۱/۲)؛ مجوس از خوردن ذبائح خودداری می‌کرده و در عوض مردار می‌خوردند، گاو و گوسفند را خفه، چشمان حیوانات را می‌بستند و از بلندی پرت می‌کردند، حیوانات را با شاخ زدن به جان هم می‌انداختند و هرکدام از آنها که به ضرب شاخ می‌مرد مورد استفاده قرار می‌دادند، حیواناتی که به‌وسیله گرگ و شیر مرده بودند را می‌خوردند.

از آنجا که جهالت در قرن‌های متمادی به گونه‌های مختلفی ظهور و بروز کرده و می‌کند، مبارزه با آن نیز باید متناسب با گونه‌ها و انواع جهالت تداوم یابد، بر این اساس، جانشین پیامبر که همان امام معصوم است، پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، عهده‌دار این امر خطیر خواهد بود که به‌درستی در آیه مورد بدان اشاره شده است، در زیارت اربعین که از امام معصوم علیه‌السلام نقل شده، این وظیفه خاطر نشان گردیده و آمده است: «وَ بَدَلَ مُهْجَتَهُ فَيْكَ لَيْسَتَنْقَدَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ» و به نظر می‌رسد، فراز دوم آیه سوم سوره مائده، مسأله جهل‌ستیزی را با طرح مسأله اكمال دین و اتمام نعمت که همان امامت است را یادآور شده و وظیفه امام را در مبارزه با جاهلیت مدرن، یادآور شده است.

۴. پیوند بین اصول و فروع دین: خداوند متعال،

کرده‌اند که چنانچه سلامت جسم انسان در گرو نوع تغذیه‌ای است که استفاده می‌کند، سلامت روح انسان نیز در گرو غذاهای متناسب با آن است (سبزواری، ۱۴۰۹: ۳۰۳/۴).

با ذکر این مقدمه، تناسب و رابطه‌مندی فراز اول و دوم آیه سوم سوره مائده روشن می‌گردد، بدین بیان که فراز اول آیه مورد بحث بیانگر غذاهای ناسالم و غیرمتناسب با جسم انسان است که عبارت‌اند از خوردنی‌های حرام و امثال آن و فراز دوم بیانگر غذای متناسب با بُعد روحانی و نفسانی انسان که عبارت از نصب امام و مکمل رسالت است و چنانچه غذاهای ناسالم مادی، جسم انسان را در معرض آفات، آسیب‌ها و درنهایت هلاکت قرار می‌دهند، فقدان غذای سالم و یا وجود غذاهای ناسالم معنوی روح انسان را در معرض تباهی و فساد و گمراهی قرار می‌دهد.

۳. رابطه‌مندی فرازها در جهل‌ستیزی: جهالت و گمراهی، از جمله آفت‌هایی هستند که همواره انسان را در معرض آسیب قرار داده و می‌دهند، بر این اساس، حکمت و فلسفه ارسال پیامبران و انزال کتاب‌های آسمانی، نجات انسان‌ها از آفت‌های مذکور بوده است «وَ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدَهُ وَ رَسُولَهُ بَعَثَهُ بِالْحَقِّ نَبِيًّا دَالًّا عَلَيْهِ وَ هَادِيًّا إِلَيْهِ فَهَدَىٰ بِهِ مِنَ الضَّلَالَةِ وَ اسْتَنْقَذَنَا بِهِ مِنَ الْجَهَالَةِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۴۲/۱). جهالت دارای مصادیق فراوانی، مانند جهل به مبدأ، مقصد و اهداف خلقت انسان و... است. یکی از مصادیق جهالت، جهل به خوردنی‌های حرام و فلسفه حرمت آنها بوده است. مطالعه سرگذشت اقوام و ملت‌های گذشته، این مطلب را تأیید می‌کند. همچنین در روایتی که از امام باقر علیه السلام آمده است گواه بر جهالت آنها است، آن حضرت

قرآن کریم را بیان‌کننده همه امور معرفی کرده است ﴿وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ﴾ (نحل/۸۹). برخی مفسران منظور از «لِّكُلِّ شَيْءٍ» را اصول و فروع دین دانسته‌اند (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۵۸/۲۰). دانشمندان جهان اسلام در مصادیق اصول و فروع دین اختلاف نظر دارند، از جمله موارد اختلافی، مسأله امامت است، امامیه امامت را از اصول و اهل سنت آن را از فروع برشمرده‌اند (سبحانی، ۱۴۱۲: ۱۳/۴). شایان ذکر است برخی از دانشمندان اهل سنت با امامیه در مسأله اصل بودن امامت، هم‌رأی و نظر هستند (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۳: ۳۶۷/۱۸). با توجه به آنچه گفته شد، به نظر می‌رسد تناسب و پیوند میان فراز اول و دوم آیه مورد بحث؛ رابطه تبیین فروع و اصول دین از سوی خداوند متعال باشد، زیرا فراز اول آیه مبین خوردنی‌های حرام به‌عنوان بخشی از فروع دین و فراز دوم بیانگر اصل امامت به‌عنوان اصلی از اصول دین است.

نکته دیگری که لازم است در این بخش مورد تأکید قرار گیرد آن است که شاید قرار گرفتن فراز بیانگر امامت پس از فراز بیانگر خوردنی حرام القاء کننده ابتناء و تعویل فروع بر اصول باشد و چنانچه بقاء شاخه و برگ‌های درخت متوقف بر اصل درخت است، بقاء فروع دین متوقف بر اصل امامت است، شایان ذکر است، برخی دانشمندان اهل سنت، منظور از واژه «أُكْمَلْتُ» را اصول و ارکان دین دانسته‌اند (عسقلانی، بی‌تا: ۲۴۶/۱۳).

۵. زدودن جاهلیت و پیشگیری از بازگشت به آن: مردم شبه‌جزیره عربستان در عصر جاهلیت، بت‌ها را مورد پرستش و از خوردنی‌های حرام بدون هیچ مانعی استفاده می‌کردند. جعفر بن ابی‌طالب به نمایندگی

از پناهندگان، در حضور نجاشی پادشاه حبشه به این مسأله اعتراف کرده و گفته است: «إِنَّا كُنَّا قَوْمًا أَهْلَ جَاهِلِيَّةٍ نَعْبُدُ الْأَصْنَامَ وَ نَأْكُلُ الْمَيْتَةَ... حَتَّى بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْنَا رَسُولًا» (مقدسی، بی‌تا، ۱۵۱/۴). بر اساس آیات قرآن کریم و برخی روایاتی که در بخش‌های پیشین بدان اشاره گردید، یکی از اهداف بعثت پیامبران و به‌ویژه پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، تلاوت آیات الهی، تزکیه و تعلیم و درنهایت کمال عقلانیت جامعه بشری بوده است ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يَعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾ (جمعه/۲)؛ اوست آن کس که در میان بی‌سوادان فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد [آنان] قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.

پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز تمام همت و تلاش خود را صرف تحقق اهداف رسالت کرده و به تعبیر قرآن کریم ﴿يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَ يَحْرِمُهُمُ الْعَلَيْهِمُ﴾ (اعراف/۱۵۷)؛ آنان را به کار پسندیده فرمان می‌دهد و از کار ناپسند باز می‌دارد و برای آنان چیزهای پاکیزه را حلال و چیزهای ناپاک را بر ایشان حرام می‌گرداند و از [دوش] آنان قیدوبندهایی را که بر ایشان بوده است برمی‌دارد.

با این وجود، به تعبیر برخی آیات قرآن کریم، خطر بازگشت به دوران جاهلیت وجود دارد ﴿وَ مَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَلَنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ﴾ (آل‌عمران/۱۴۴) و پیامبر



گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، این خطر را با تمام وجود درک کرده و براساس حکمت بالغه خداوندی، ضمن اشاره به برخی سنت‌های دوران جاهلیت به معرفی جانشین پس از خود کرده و با فراز ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي﴾ آن را به‌صراحت بیان کرده است.

با توجه به آنچه گفته شد، رابطه‌مندی فراز اول و دوم آیه سوم سوره مائده، بدین بیان است که نصب و جانشینی حضرت علی علیه‌السلام دارای ظرفیت‌های مهم و سرنوشت‌سازی مانند جلوگیری از عقب‌گرد امت پیامبر به دوران جاهلیت و ممانعت از بازگشت به مسیری است که پیامبر و اهل‌بیتش در مدت بیش از بیست سال با همه رنج‌ها و دردها در زدودن آن تلاش کرده‌اند، از مهم‌ترین مصادیق کارهای دوران جاهلیت استفاده از خوردنی‌ها و نوشیدنی‌های حرام بوده است که با فرض نبود امام و حجت خداوند، بازگشت به آن کارها برای جوامع بشری متصور است، اما با وجود عنصر تأثیرگذاری همچون امامت راه بازگشت فراگیر و همه‌جانبه، به دوران جاهلیت غیرممکن خواهد بود. به همین خاطر آن حضرت وقتی پس از ۲۵ سال خانه‌نشینی به خلافت رسید فرمود: «أَلَا إِنَّ بَلِيَّتَكُمْ قَدْ عَادَتْ كَهَيْئَتِهَا يَوْمَ بَعَثَ اللَّهُ نَبِيَّهُ...» یعنی هم‌اکنون، اوضاع جامعه اسلامی به‌لحاظ بازگشت به جاهلیت همانند دوران جاهلیت است که خداوند پیامبرش صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را به رسالت برانگیخته بود؛ چرا که در این مدت مدید به‌دلیل عدم وجود امام در رأس جامعه اسلامی، آداب و سنن جاهلی به‌تدریج به جامعه اسلامی بازگشته بود.

۶. پیوند میان مائده حضرت عیسی علیه‌السلام

و مائده پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: آیات ۱۱۲ تا ۱۱۵ سوره مبارکه مائده بیانگر مباحث مهمی مانند درخواست حواریون از حضرت عیسی علیه‌السلام مبنی بر نزول مائده آسمانی از سوی خداوند متعال، اهداف حواریون از درخواست مذکور، درخواست حضرت عیسی علیه‌السلام از خداوند متعال و اجابت دعای حضرت عیسی از سوی خداوند متعال است. درباره محتویات مائده آسمانی، روایات مختلفی در منابع روایی شیعه و اهل سنت نقل شده است و برخی روایات آن را طبق‌هایی از طلا دانسته‌اند که بر روی آنها نه عدد ماهی و نه عدد نان بوده (بحرانی، ۱۴۱۵: ۲/۳۸۱).

پیامبر گرامی اسلام نیز در روزهای آغازین دعوت علنی خود و پس از نزول آیه ﴿وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ﴾ (شعراء/۲۱۴)؛ به دستور جبرئیل خویشاوندان خود را دعوت کرد و فرمودند: «يَا بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ إِنِّي نَذِيرٌ لَكُمْ مِنَ اللَّهِ جَلَّ... إِنَّ هَذِهِ مَائِدَةٌ أَمَرَنِي اللَّهُ بِهَا فَصَنَعْتُهَا لَكُمْ كَمَا صَنَعَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ عَ لِقَوْمِهِ... وَ اعْلَمُوا يَا بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ أَنَّ اللَّهَ لَمْ يَبْعَثْ رَسُولًا إِلَّا جَعَلَ لَهُ أَخًا وَ وَزِيرًا وَ وَصِيًّا وَ وَارِثًا مِنْ أَهْلِهِ وَ قَدْ جَعَلَ لِي وَ زِيرًا كَمَا جَعَلَ لِلْأَنْبِيَاءِ قَبْلِي... فَوَتَّبِعَ عَلِيٌّ عَ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنَا لَهَا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ يَا أَبَا الْحَسَنِ أَنْتَ لَهَا قُضِيَ الْقَضَاءُ وَ جَفَّ الْقَلَمُ يَا عَلِيُّ اصْطَفَاكَ اللَّهُ بِأَوْلِيَّهَا وَ جَعَلَكَ وَلِيًّا آخِرِهَا» (ابن طاووس، ۱۳۶۳: ۱۰۶)، براساس روایت مذکور و دیگر روایات، مائده موردنظر دو هدف را دنبال کرده است، هدف اول دعوت به آئین توحید و انذار مشرکان هدف دوم، معرفی وصی و جانشین پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم.

آنچه گفته شد، درباره مائده‌ای است که در ابتدای رسالت رسول گرامی اسلام، رخ داده است؛ اما

در واپسین روزهای رسالت پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم سوره‌ای با نام مائده بر پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم نازل گردید که در ابتدای آن مباحثی همانند لزوم وفای به پیمان‌ها، بیان خوردنی حلال و حرام که با مائده مرتبط است و سپس مسأله وصایت، جانشینی و امامت حضرت علی علیه السلام مطرح گردیده است، شایان ذکر است که مسأله مذکور در دو آیه مبارکه ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ﴾ (مائده/۶۷) و ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾ (مائده/۵۵)، به ضمیمه فراز دوم آیه سوم سوره مائده مطرح گردیده است و بدین‌سان، پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و اله و سلم، برای امت اسلام، مائده‌ای را برقرار کرده است که جامع نعمت‌های دنیوی، اخروی، مادی و معنوی و از جمله مسأله سرنوشت‌ساز امامت است.

#### ۷. پرهیز از خوردنی‌های حرام و ولایت‌پذیری:

از مجموع روایات منقوله در جوامع روایی شیعه و اهل سنت و همچنین نظریات دانشمندان علم اخلاق، چنین برمی‌آید که خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها، تأثیرات فروانی را از خود بر جسم و روح انسان به‌جای می‌گذارند و به همین جهت خداوند متعال در قرآن کریم انسان را نسبت به خوراکی‌ها هشدار داده و فرموده است: ﴿فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ﴾ (عبس/۲۴)؛ انسان باید به غذای خویش (و آفرینش آن) بنگرد. برخی مفسران منظور از این آیه را دقت و اندیشه در ساختمان غذایی مورد استفاده دانسته‌اند، زیرا غذایی که انسان تناول می‌کند تأثیرات شگرفی بر وجود انسان می‌گذارد (مکارم، ۱۳۷۱: ۲۶/۲۴۴)، افزون بر آیه مذکور، در

روایتی از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و اله و سلم آمده است «مَنْ أَكَلَ الْحَرَامَ عَصَى اللَّهَ شَاءَ أَوْ أَبِي» (رعینی، ۱۴۱۶: ۵۰۱/۳)؛ هرکسی حرام بخورد، خدا را معصیت می‌کند، بخواهد یا نخواهد.

از آنچه گفته شد، معلوم می‌گردد، پذیرش ولایت ولی خداوند متعال و اطاعت از جانشین رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم، منوط و مشروط به پرهیز از هرگونه لقمه حرام است و کسانی که از خوردنی‌های یازده‌گانه مورد بحث فراز اول آیه و امثال آن خودداری نکرده‌اند؛ هرگز ولایت و وصایت حضرت علی علیه السلام بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم را نخواهند پذیرفت، شاهد بر سخن مذکور، روایتی از امام صادق علیه السلام است که فرمودند: «إِنَّ وَلِيَّ عَلِيٍّ لَا يَأْكُلُ إِلَّا الْحَلَالَ لِأَنَّ صَاحِبَهُ كَانَ كَذَلِكَ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۶۳/۸)؛ همانا ولی و دوستدار علی علیه السلام جز حلال چیزی نمی‌خورد، زیرا صاحب او این چنین است.

#### ۸. پیوند میان فقه اکبر و فقه اصغر: برخی

دانشمندان علوم اسلامی، علوم شرعی اصیل را، چهار علم کلام، علم به قرآن کریم، علم به احادیث و علم به احکام شرعی، دانسته‌اند (شهید ثانی، ۱۴۰۹: ۳۶۵). علم کلام را فقه اکبر (ابن زهره، ۱۴۱۷: ۲۷) و علم به احکام شرعی را فقه اصغر نامیده‌اند (حلبی، ۱۴۱۴: ۴). پیوند میان دو علم مذکور به‌گونه‌ای است که برخی دانشمندان، نسبت علم کلام به دیگر علوم اسلامی از جمله فقه را همانند نسبت علم منطق به فلسفه دانسته‌اند (غفار، ۱۴۱۶: ۲۷۰). اکنون با توجه به تبیین مسائل فقهی در فراز اول و مسأله کلامی امامت در فراز دوم، به نظر می‌رسد پیوند فراز دوم با اول، پیوند میان فقه اکبر و فقه اصغر است، بدین بیان که صیانت از مسائل

فقهی توسط امام و جانشین پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم صورت می‌پذیرد. در تأیید سخن فوق می‌توان به سخن معاویه در مواجهه با خبر شهادت حضرت علی علیه‌السلام استناد جست که به صراحت گفته است: «ذهب الفقه و العلم بموت ابن ابی طالب» (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ۱۱۰۸/۳؛ امینی، ۱۳۹۷: ۴۵/۲).

۹. پیوند اخلاقیات و اعتقادات: یکی از ابعاد دین، بُعد اخلاقیات آن است. فراز اول آیه سوم سوره مائده، اگرچه درصدد بیان مسائل فقهی است اما برخی مفسران هر یک از خوردنی‌های حرام مطرح در آیه را نماد رذیلت‌های اخلاقی دانسته‌اند. از دیدگاه آنان مردار؛ نماد دنیا، خون و گوشت خوک؛ نماد رذایل اخلاقی، حیوان ذبح شده با نام غیر خدا؛ نماد صدای نفس اماره و فرمان آن به انجام کارهای زشت، حیوان خفه‌شده؛ نماد خفه کردن فطرت خدا جوی انسان، موقوذه؛ نماد مجروح کردن سینه گشاده با معارف دین، متردیه؛ نماد سقوط از بالاترین درجات معنوی به پایین‌ترین درکات، نطیحه؛ نماد فخرفروشی دینداران به علم و زهد، نیم‌خورده حیوانات حلال‌گوشت؛ نماد نزدیک شدن به ظالمان گرگ‌صفت، حیوانات ذبح شده بر بت‌های سنگی؛ نماد دورکننده‌های انسان از خدا و گوشت‌های تقسیم‌شده با بخت‌آزمایی؛ نماد تردید و خود را در معرض تیرهای زهرآگین شیطان قرار دادن است (سبزواری، ۱۴۰۹: ۳۵۰/۱۰).

از طرفی فراز دوم آیه مورد بحث به یکی از مهم‌ترین مباحث اعتقادی، یعنی امامت پرداخته است و از آنجا که یکی از وظایف پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، تحریم پلیدی‌ها و برداشتن غل و زنجیرهای جهل و خرافه‌ها است ﴿وَ يُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ

الْخَبَائِثَ وَ يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ﴾ پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم این وظائف بر عهده وصی و جانشین او خواهد بود و قرار گرفتن فراز بیانگر عنصر امامت پس از فراز بیانگر نمادهای رذایل اخلاقی بر پیوند بُعد اخلاقیات و اعتقادات و نقش بازدارندگی امام علیه‌السلام در ارتکاب رذایل اخلاقی دارد.

۱۰. رابطه‌مندی فرازها در پیوند میان آورنده شریعت و حافظ آن: خداوند متعال جاعل و مشرع شریعت و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم گیرنده آن است ﴿ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا﴾ (جاثیه/۱۸) یکی از شئون و وظایف پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تبیین و عمل کردن براساس شریعت است ﴿وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ﴾ (نحل/۴۴) و از آنجا که پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آخرین رسول و نبی است ﴿وَ لَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ﴾ (احزاب/۴۰) و شریعت او آخرین شریعت است؛ حفظ آن واجب است. با ذکر این مقدمه پیوند دو فراز آیه مورد بحث روشن می‌گردد، بدین بیان که فراز اول بیانگر بخشی از احکام شریعتی است که خداوند آن را تشریح، پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آن را ابلاغ، تبیین و اجرا کرده و فراز دوم آیه نیز بیانگر نصب جانشین پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ادامه‌دهنده تبیین و اجرای احکام و حافظ شریعت است، شخصیتی که نصبش مایه نومیدی کافران، موجب اکمال دین، اتمام نعمت و مرضی بودن دین اسلام گردیده است. شایان ذکر است حفظ شریعت از مهم‌ترین وظایف و شئون امام است که دانشمندان

- بزرگ اسلام بدان تصریح کرده‌اند (کرمانی، ۱۴۱۶: ۱۰۸؛ شریف مرتضی، ۱۴۱۰: ۱۸۷/۱؛ انصاری، ۱۴۱۸: ۱۲۳)
- بحث و نتیجه‌گیری  
از آنچه گذشت به دست آمد که با توجه به توقیفی بودن چینش فرازاها، آیه‌ها و سوره‌های قرآن کریم، میان فرازهای آیه سوم سوره مائده تناسب، پیوند و ارتباط ژرف و عمیقی وجود دارد، از جمله موارد پیوند را می‌توان در فریضه بودن دو فراز، بیان مسائل مربوط به جسمانیت و روحانیت انسان، رابطه‌مندی میان اصول و فروع دین، بیان مصادیق جاهلیت و نقش امام در جهل‌ستیزی، پیوند میان مائده نازل‌شده بر حضرت عیسی علیه‌السلام و پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، پرهیز از خوردنی‌های حرام و ولایت‌پذیری، پیوند میان فقه، کلام، اخلاقیات و اعتقادیات و پیوند میان آورنده شریعت و حافظ آن برشمرد.
- منابع  
- قرآن کریم. ترجمه مکارم شیرازی (۱۳۷۳ش). قم: دفتر مطالعات و معارف اسلامی. چاپ دوم.  
- ابن ابی‌الحدید، ابوحامد عزالدین (۱۳۸۳ش). شرح نهج‌البلاغه. قم: مکتبه آیت‌الله مرعشی نجفی.  
- ابن جزئی، محمد بن احمد (۱۴۱۶ق). التسهیل لعلم التزیل. بیروت: شرکت دارالارقم.  
- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله (۱۴۰۰ق). رسائل ابن‌سینا. قم: انتشارات بیدار.  
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۶۳ش). سعد السعود للنفوس منضود. قم: منشورات رضی.  
- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله (۱۴۱۲ق). الاستیعاب. بیروت: دارالجیل.  
- ابن عاشور، محمدطاهر (۱۴۲۰ق). تفسیر التحریر و التنویر. بیروت: مؤسسة التاریخ العربی.  
- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.  
- ابن منظور، محمدبن مکرّم (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دار صادر. چاپ سوم.  
- استرآبادی، علی (۱۴۰۹ق). تأویل آیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة. قم: جامعه مدرسین.  
- ازهری، محمدبن احمد (۱۴۲۱ق). تهذیب اللغة. بیروت: دار احیاء التراث العربی.  
- امینی، عبدالحسین (۱۳۹۷ق). الغدیر. بیروت: دار الكتاب العربی.  
- انصاری، محمدحسین (۱۴۱۸ق). الامامة والحکومة. تهران: مکتبه نجاج.  
- بحرانی، سیدهاشم (۱۴۱۵ق). البرهان فی تفسیر القرآن. تهران: بنیاد بعثت.  
- بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۲۰ق). تفسیر البغوی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.  
- بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸). انوار التنزیل و اسرار التأویل. بیروت: دار احیاء التراث العربی.  
- پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، مرکز فرهنگ و معارف قرآن (۱۳۸۲ش). دائرةالمعارف قرآن کریم. قم: مؤسسه بوستان کتاب.  
- جبعی عاملی (شهید ثانی) زین‌الدین (۱۴۰۹ق). قم: مکتب الاعلام الاسلامی.  
- جصاص، احمد بن علی (۱۴۰۵ق). احکام القرآن. بیروت دار احیاء التراث العربی.

- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹ش). تفسیر تسنیم. قم: نشر اسراء.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ق). الصحاح. بیروت: دار العلم للملایین.
- حجتی، سید محمدباقر (۱۳۷۷ش). اسباب النزول. تهران: دفتر فرهنگ اسلامی.
- حلبی، ابوالمجد (۱۴۱۴ق). اشارة السبق. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- حلبی، ابن زهره (۱۴۱۷ق). غنیه النزوع. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دار القلم.
- رضا، محمد رشید (۱۴۱۴ق). تفسیر المنار. بیروت: دار المعرفة.
- رعینی، خطاب (۱۴۱۶ق). مواهب الجلیل. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- سبحانی، جعفر (۱۴۱۲ق). الالهیات علی هدی کتاب و العقل و السنة. قم: مرکز العالمی للدراسات الاسلامیه. چاپ سوم.
- سبزواری، سید علی (۱۴۰۹ق). مواهب الرحمان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه اهل البیت.
- سلطان علی شاه، محمدبن حیدر (۱۴۰۸ق). بیان السعادة فی مقامات العبادة. بیروت: مؤسسه اعلمی.
- شریف مرتضی، علی بن حسین (۱۴۱۰ق). الشافی فی الامامة. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶ق). الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن. قم: انتشارات فرهنگ اسلامی.
- طباطبائی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸م). تفسیر القرآن العظیم. اربد: دار الکتب الثقافی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷ش). تفسیر جوامع الجامع. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۲ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصرخسرو.
- طبری، محمدبن جریر (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار المعرفة.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵ش). مجمع البحرین. تهران: مرتضوی. چاپ سوم.
- طیب، سید عبدالحسین (۱۳۶۹ش). اطیب البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات اسلام. چاپ دوم.
- طوسی، محمدبن حسن (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عسقلانی، احمد بن علی (بی تا). فتح الباری شرح صحیح البخاری. بیروت: دار المعرفة.
- غزالی، ابوحامد (۱۳۸۲ش). تهافت الفلاسفة. تهران: شمس تبریزی.
- غفار، عبدالرسول (۱۴۱۶ق). الکلبینی و الکافی. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- فخر رازی، محمدبن عمر (۱۴۲۰ق). التفسیر الکبیر. بیروت: دار احیاء التراث العربی. چاپ سوم.
- فراهیدی، خلیل (۱۴۰۹ق). کتاب العین. قم: نشر هجرت. چاپ دوم.
- فقهی زاده، عبدالهادی (۱۳۷۴ش). پژوهشی در نظم قرآن. تهران: جهاد دانشگاهی.
- قابنی، نظام‌الدین (۱۳۶۴ش). رسائل عرفانی و فلسفی حکیم قائنی. تهران: انتشارات علمی-فرهنگی.

- قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱ش). قاموس قرآن. تهران: دار الکتب الاسلامیه. چاپ ششم.
- کاشانی، محمدبن مرتضی (۱۴۱۰ق). تفسیر المعین. قم: کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی.
- کرمانی، حمیدالدین (۱۴۱۶ق). المصابیح فی اثبات الامامة. بیروت: دار المنتظر للطباعة و النشر و التوزیع.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۲ش). الکافی. تهران: الاسلامیه.
- مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق). التحقیق فی کلمات القرآن. بیروت: دار الکتب العلمیه. چاپ سوم.
- معرفت، محمدهادی (۱۳۷۳ش). تناسب آیات. قم: بنیاد معارف اسلامی.
- مقاتل، ابوالحسن (۱۴۲۳ق) تفسیر مقاتل بن سلیمان. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مقدسی، مطهر بن طاهر (بی تا). البدء و التاريخ. قاهره: مکتبه الثقافة الدینیة.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ش). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الاسلامیه.